

نقش خیانت بر کیفیت زندگی زناشویی



عکس: Jared Kelly

مژگان میر اشرافی - مددکار اجتماعی

به سفارش مادر دخترها ضبط صوت کوچکی را در خانه کار گذاشتن و همین عمل باعث وقوع اتفاقی غیر قابل پیش بینی و ناخوشایند شد. بدین ترتیب که صدای معاشقه پدر هنگامی که با معشوقه اش در خانه تنها بود ضبط شد و دخترها صحبت هایی که ضبط شده بود را گوش دادند. بچه ها حق هق کنان به مادرشان گفتند شنیده اند که پدر با زنی دیگر آواز خوانده، آشپزی کرده و حتی به حمام رفته است.

مهناز از دختران نوجوانش خواسته بود که با ضبط صوت کوچکی که به تازگی خریده بودند؛ صدای پدرشان را زمانی که در خانه تنها می ماند ضبط کنند. مهناز چند ماه می شد که به همسرش شک داشت. آنها ۲ سال بود که با یکدیگر زندگی می کردند. مهناز و علی، ۲ دختر یازده و ۶۱ ساله و یک پسر ۹۱ ساله که به تازگی دانشجو شده بود، داشتند. همسر مهناز با اینکه باورهای مذهبی کم رنگی دارد، مردی بسیار سنتی است. آنها زندگی مرفهی داشتند، به باور مهناز و اکثر اقوام و دوستان نزدیک، شوهر او مردی بسیار جدی و متین است و همواره به مهناز و دخترها از لحاظ آرایش و طرز معاشرت با سایر مردان و پسران فامیل، بسیار سخت گیری می کرد.

بحران در خانواده آنها با کمک گرفتن مهناز از فرزندانش برای مچ گیری از همسر، شدید شد. حالا پسر جوان و دختران نوجوانش از جزئی ترین لحظات روابط جنسی پدرشان با معشوقه اش با خبر بودند. دختر کوچکش واکنش های عصبی نشان تندی داشته و به افسردگی شدیدی مبتلا شده است. پسرش می گوید دیگر نمی خواهد با پدر روبرو شود و بهتر است برای همیشه از آن خانه برود. مهناز خود نه تنها با مسئله خیانت روبرو است، بلکه اکنون با این شرایطی که بوجود آمده نمی داند چگونه وضع عاطفی و واکنش های روانی فرزندانش را کنترل و مدیریت کند.»

خانواده در زمره مهمترین سیستم های اجتماعی است که حفظ و تداوم آن از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و تغییر و تحول آسیب ها و آرامش است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می باشد.

رضایت از رابطه زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند. اما بی وفایی در روابط زناشویی پدیده ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج ازدواج به وقوع می پیوندد. بی وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می نماید.

مطالعات زیادی نشان داده اند که واکنش فرد نسبت به خیانت همسر، شبیه علائم استرس پس از ضربه (Post Traumatic Stress disorder) می باشد. معمولاً شخص خیانت دیده علائمی مانند شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی، آسیب دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسی را تجربه می کند. همچنین نتایج پژوهش های دیگری حاکی از آن است که پس از افشای خیانت همسر، خانواده ها با مسائلی نظیر بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در نقش های والدینی، و مشکلات شغلی روبه رو می شوند.

«مهناز با وجود همه مسائل موجود و بحران در خانواده، به دلیل نداشتن پشتوانه عاطفی تصمیم به جدایی نگرفت و در کنار تجربه احساسات پیچیده ای نظیر آنکه من شاید برای شوهرم کافی نبودم و یا از نظر جنسی او را کاملاً ارضاء نکرده ام خود را نیز مقصر ماجرا می دانست. مقایسه خود با زن جدید باعث شده بود بیش از پیش اعتماد به نفس خود را از دست داده و در حالتی از درماندگی قرار بگیرد. اما در عین حال از طرف فرزندانش برای گرفتن تصمیم به طلاق تحت فشار قرار گرفته و فرزندانش او را ضعیف و بی عرضه خطاب می کردند. اما او با وجود تمامی فشارها می گفت یکی از دلایلی برای عدم جدایی از همسر، آینده فرزندان و ازدواج دخترانش

می باشد.»

در جامعه ایرانی بدلیل مسائل فرهنگی، خیانت علت ضروری و اصلی نیست که یکی از همسران، چه همسری که خیانت کرده و چه همسری که مورد خیانت واقع شده بخواهد طلاق بگیرد. اغلب هر دوی آنها خواستار، فرار از درد و رنج ناشی از اشتباهات و بازگشت وضعیت به حالت عادی هستند.

همسر خیانت دیده از یک طرف تمایل به ترک و طرد همسر را دارد و از طرفی نگران است این کار همسرش را بیشتر به سمت رقیب سوق دهد. فرد خیانت کننده نیز احساسات چندگانه و گاه متناقضی را تجربه می کند. او از جهتی دچار احساس شرم و گناه و از جهت دیگر نگران واکنش همسرش می شود. حتی ممکن است هنوز همسر خود را دوست داشته باشد.

به عنوان مثال، «فرزندان مهناز بارها صدای فریاد مادر را بعد از این واقعه در خانه شنیده اند که بر سر شوهرش فریاد می کشد:» همانطور که با زن دیگر به حمام رفته ای باید با من نیز به حمام بیایی «و خشمگینانه گریه می کند.»

فرد خیانت دیده ممکن است رفتارهای متفاوتی را پیش گیرد؛ گاهی ممکن است همسر خیانتکار را از خانه بیرون کند و گاهی نیز بالعکس به منظور شکست رقیب و برنده شدن در مبارزه، رفتارهای افراطی زیادی برای جلب توجه جنسی او از خود نشان می دهد.

در سال های اخیر مسئله خیانت، یکی از تلخ ترین مسائلی است که بسیاری از زوجین با آن روبرو هستند. زنان به دلیل عاطفه مادری و به خاطر مسائل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، همه سختی ها و مصیبت ها را به جان می خرنند و در مواردی حتی پس از کشف خیانت همسر، حاضر به ترک زندگی زناشویی نیستند. ضمن آنکه نمی توانند آسیب های گذشته را فراموش کنند. همین عامل، روابط زناشویی را بیش از پیش خدشه دار کرده و سلامت روان فرزندان را نیز به خطر می اندازد.

در اینگونه شرایط برخلاف الگوی خانواده هایی با روابط سالم که نوعی سازماندهی و سلسله مراتب انعطاف پذیر در مرزهای بین نسلی (والدین - فرزندان) حاکم است، خانواده دچار اغتشاش در مرزهای بین نسلی توأم با مشکلات سازماندهی و همچنین شکل گیری روابط مثلی (منظور از مثلی بیمارگونه اتحاد دو نفر از اعضای خانواده بر علیه یک عضو خانواده است) بیمارگونه می شود. برای مثال مهناز و دخترانش بر علیه پدر متحد شده و جبهه ائتلافی را به وجود می آورند.

و این موجب می شود صمیمیت میان اعضای خانواده بخصوص فرزندان از میان برود. فرزندان نقش خود را به عنوان فرزند از دست می دهند و همه افراد به جای یکدیگر تصمیم می گیرند، فکر می کنند و حتی عمل می کنند.

اگر بعد از خیانت همسران و با وجود آنکه این خیانت ها بر کیفیت روابط زناشویی شما تاثیر منفی گذاشته است تصمیم به ادامه زندگی خانوادگی خود گرفته اید، می توانید با کمک از مراکز خانواده درمانی و روش های موجود خانواده درمانی ضمن التیام آسیب های وارده به خانواده و سلامت روان اعضای آن، کیفیت زندگی زوجین و فرزندان را تا حد قابل قبولی بهبود بخشید.

منابع:

کلمیت وزیون، مفاهیم و تئوری های کلیدی در خانواده درمانی، انتشارات همام، ۹۷۳۱

ویرجینیا ستیر، آدم سازی، نشر رشد، ۶۷۳۱

<http://jahannews.com/vdcjxoe8tuqehmz.fsfu.html>

<http://khabaronline.ir/detail/303663/society/family>

http://drshamshiri.com/?page_id=1093